شهيد «حاج صادق حق‌گويان»الگوي واقعي اخلاق‌ بود

شهيد«حاج صادق حق‌گويان»، شهيد شاخص سال 94 اصناف کشور و پدر سه شهيد دفاع مقدس بود که همه تحت تأثير اخلاقش قرار مي‌گرفتند.

به گزارش خبرگزاري بسيج از همدان، شهيد «حاج صادق حق‌گويان»، پدر سه شهيد دفاع مقدس که به عنوان شهيد شاخص سال 94 اصناف معرفي شد همه را مجذوب اخلاق خوب خود مي‌کرد.

گوشه‌هايي از زندگينامه شهيد:

شهيد حاج صادق حقگويان فرزند مرحوم حاج نجف در سال 1300 شمسي در شهرستان خون و قيام قم و در خانواده‌اي مذهبي ومتدين متولد شد. به لحاظ اينکه مرحوم پدر ايشان از نظر صداقت و عدالت و راستگويي شهره شهر بودند، هنگامي که مأمور ثبت احوال در آن موقع براي خانواده‌ها نام خانوادگي انتخاب مي‌کردند بنا به اظهارات وخواسته اهالي محل نام خانوادگي حقگويان را براي اين خانواده انتخاب کردند.

شهيد حاج صادق از همان اوان کودکي علاقه وافري به مرحوم حضرت امام خميني(ره) داشتند به همين جهت در روزهاي جمعه در درس مکاسب امام خميني(ره) در مدرسه فيضيه قم شرکت مي‌کردند.

پدر ايشان مرحوم حاج نجف در قم قندريزي داشتند و در آن هنگام در شهر همدان قندريزي وجود نداشت.

پدر شهيد حاج صادق در همدان دوستي به نام حاج محمود عبادي داشتند که ايشان به مرحوم نجف(پدر شهيد صادق) پيشنهاد مي‌دهد که پسرتان را به مدت يک ماه به همدان بفرست که صنعت قندريزي را به ما ياد دهد. به همين جهت شهيد حاج صادق در سن 18سالگي به همدان مراجعه مي‌کنند و مشغول کار قندريزي مي‌شوند.

کارگاه اوليه ايشان در محوطه کولانج پايين‌تر از مسجد آيت‌الله نجفي پايين‌تر از حمام موجود فعلي بوده که اکنون ميز و نيمکت‌فروشي است.

ساکنين آن محل از ارامنه و مسيحيان بوده‌اند که شيفته رفتار و اخلاق حاج صادق حقگويان مي‌شوند چون در آن زمان شهيد صادق حقگويان به مکه مشرف نشده بودند مسيحيان ايشان را «آميرزا صادق» خطاب مي‌کردند.

مرحوم حاج محمود عبادي که از نحوه رفتار واخلاق ايشان رضايت کامل داشتند با اصرار زياد به ايشان مي‌گويند که شما در اين کارگاه شريک ودر همدان ساکن شويد و ايشان نيز قبول مي‌کنند.

بعد مستقلاً کارگاه قندريزي در کاروانسراي حسينيان داير مي‌کنند و به طور دائم ساکن همدان مي‌شود.

خداوند به ايشان هشت فرزند پسر و چهار فرزند دختر عنايت مي‌فرمايد.

حاج صادق در تمام کارهاي خير و خداپسندانه پيش‍قدم بودند به طوري که در تابستان سال 50 مرحوم حاج سيدمدني، مرحوم آيت‌الله حاج سيدمحمد جلالي و شهيد حاج احمد کافي که از دوستان و اقوام ايشان بودند وقتي به منزل حاج صادق تشريف مي‌آورند، در صحبت‌هاي خود مطرح مي‌کنند چرا در شهر دارالمومنين نبايد صندوق قرض الحسنه و چرا در خيابان عباس‌آباد(مهديه) نبايد مسجد و يک موسسه خيريه مهديه وجود داشته باشد؟

در همان شب چهار نفري مبلغي را جهت سرمايه گذاري صندوق قرض الحسنه به نام مهديه در نظر مي‌گيرند و فرداي آن روز در خيابان شورين(شهدا) مغازه‌اي براي موسسه قرض‌الحسنه مهديه اجاره مي‌کنند که آن روزها حداکثر وامي که به متقاضيان پرداخت مي‌کردند مبلغ 5 هزار ريال بود که کم کم موسسه مذکور توسعه پيدا کرد و در خيابان باباطاهرموسسه فعلي را بنا نهادند.

در همان زمان زميني نيز در خيابان عباس‌آباد(مهديه) براي مسجد تهيه کردند اما چون مساحت زمين کم بود آنجا را براي ساخت درمانگاه مهديه اختصاص دادند و در مقابل آن زمين منزل مرحوم آقاي صادق ترابي را براي مسجد خريداري کردند.

با همکاري مرحوم حاج قاسم همداني چندين سال خانه به همان سبک خانه ولي با نام مسجد مهديه بود تا اينکه مرحوم حاج قاسم همداني پيشنهاد کرد ساختمان قبلي خانه را خراب کنيد بنابراين مسجد فعلي مهديه را بنا کردند.

شهيد حاج صادق حق‌گويان همچنين از مؤسسين دارايتام مهديه بودند و براي درمانگاه مهديه همدان نيز بعد از مدتي شعبه دومي در خيابان اراک تشکيل دادند.

روزهاي عاشورا هيئت عزاداري حسيني جهت صرف نهار به منزل ايشان مي‌آمدند ودر آن زمان همسايگان محل ايشان خانواده‌هاي بهائي بودند که مرحوم حاج صادق شخصاً اول به همسايگان بهائي غذا مي‌دادند و عقيده داشت تبليغ اسلام مهم است و آنها نيز تحت تاثير اين رفتار حاج صادق قرار گرفتند.

ايشان مي‌گفت«من هرچي دارم متعلق به امام زمان(عج)است».

يکي از فرزندان ايشان به نام محمدحسن فارغ التحصيل رشته اتومکانيک جواني فعال ومذهبي بود که در شب 21 ماه رمضان سال 57 حدود پنج ماه قبل از پيروزي انقلاب اسلامي بعد از حضور در جلسه‌اي در مسجد ميرزاداود همدان توسط ماموران خونخوار سفاک پهلوي در محله معروف به قبر پلويي همدان به شهادت رسيد و دو روز بعد جنازه از شهرباني تحويل خانواده شد و تشييع آن را در روز ممنوع کردند به ناچار جنازه شهيد شبانه به گورستان همدان(باغ بهشت) منتقل شد، نماز ايشان را حاج سيدرضا فاضليان امام جمعه فعلي ملاير خواندند و ايشان اولين شهيد انقلاب در شهر همدان بودند.

دومين شهيد اين خانواده شهيد احمد حقگويان است که در عمليات رمضان در شرق بصره در سال 61 به شهادت رسيد و هنوز پيکر ايشان به وطن برنگشته است.

سومين فرزند ايشان نيز محمدرضا(مرتضي) بود که در عمليات کربلاي 4 تخريبچي غواص بود و در جزيره ام‌الرصاص دهم دي ماه 1365 به شهادت رسيد و در سال 75 پيکر مطهرش به وطن رجعت کرد.

سرانجام شهيد حاج صادق حقگويان 30 دي ماه 65 براي تشکراز اقوامي که جهت شرکت در مجلس ترحيم شهيد محمدرضا به همدان آمده بودند، قصد عزيمت به شهر قم داشت که اتوبوس براي سوختگيري به انبار نفت همدان مراجعه مي‌کند و توسط موشک‌هاي صداميان خونخوار و حيوان‌صفت مورد اصابت قرار مي‌گيرد و حاج صادق حق‌گويان نيز به درجه رفيع شهادت نائل مي‌شوند.

بعد از شهادت شهيد صادق زماني که خانواده ايشان خدمت مرحوم سيدابوالحسن موسوي همداني نماينده امام جمعه وقت همدان براي حساب و کتاب وجوهات ايشان رفته بودند، ايشان فرمودند مرحوم حاج صادق از امام زمان(عج) يک چيز هم طلبکار بودند.